

و خدایی که در این نزدیکی است / لای این شب بوهای آن کج بلند...

درس یازدهم

یاران عاشق

۱- بیعاشقی را رعایت کنیم / یاران عاشق حکایت کنیم

قلمرو زبانی:

عاشقی را: راه و رسم عاشقی را / یاران عاشق: شهدا، رزمندگان

قلمرو ادبی:

عاشقی: مجاز از راه و روش عاشقی

قلمرو فکری:

بیا راه و رسم عاشقی را رعایت کنیم و یادی کنیم از یاران عاشقی (شهدایی) که دیگر در کنار ما نیستند.

۲- از آنجا که خونین سحر کرده اند / سحر بردار خطر کرده اند

قلمرو زبانی:

آنها: شهدا، رزمندگان / مدار: جای دور زدن / مدار خطر کردن: گذشتن از جان و مال / خطر: کار دشوار و مرگ آفرین

قلمرو ادبی:

مصراع اول کنایه از «شهادت» / مصراع دوم کنایه از: خطرات راه را پذیرفتن و گذشتن از جان و مال / مدار خطر: اضافه استعاری: خطر مانند چیزی است که مدار دارد

قلمرو فکری:

یاران عاشقی که شهید شدند و از جان و مال خود گذشتند (مفهوم: عاشقان آگاهانه جان می بازند. / پایان عاشقی شهادت است.)

۳- از آنجا که خورشید فریادشان / دید از گلوی سحر زادشان

قلمرو زبانی:

آن ها: شهدا، رزمندگان / دمید: فعل ماضی ساده

قلمرو ادبی:

تشبیه: خورشید فریادشان (فریادشان مانند خورشید روشنی بخش و گرما بخش است) / استعاره: گلوی سحر زاد (گلویشان مانند موجودی است که سحر می زاید) / سحر زاد: کنایه از بیدارگر، حیات بخش / مجاز: «گلو» مجاز از «دهان»

قلمرو فکری:

یاد کنیم از آنهایی که فریادشان چون خورشید روشنی بخش است و از دهانشان، امید و پیروزی طلوع می کند.

۴- چه جانانه چرخ جنون می زنند / دف عشق با دست خون می زنند

قلمرو زبانی:

جانانه: جان + انه / چرخ جنون: رقص دیوانگی / با دست خون: دست خون آلوده شده / دف: نوعی ساز،

قلمرو ادبی:

تناقض (پارادوکس): ۱- چرخ جنون (رقص هنگام شادی و آگاهی است) ۲- با دست خون آلوده دف زدن. / تشبیه: دف عشق (عشق مانند دفی است که می زنند) / کنایه: دف زدن (شادی کردن)

قلمرو فکری:

چقدر عاشقانه و زیبا، دیوانه وار رقص عاشقانه می کنند؛ با دستانی خون آلوده شده به شادی می پردازند.

۵- بر رقصی که بی پاوس می کنند / چنین نغمه عشق سر می کنند:

قلمرو زبانی:

نغمه: آوا / سر می کنند: می سرایند / موقوف المعانی با بیت بعد

و خدایی که در این نزدیکی است / لای این شب بوهای آن کج بلند...

قلمرو ادبی :

تناقض (پارادوکس): ۱. بی پا و سر رقص کردن ۲. بی سر نغمه سرودن / تشبیه (نغمه عشق): عشق مانند نغمه ای است که می سرایند.

قلمرو فکری:

آنانی که ، بی پا و سر ، رقص عاشقانه می کنند و آوازه های شادی سر می دهند. (به استقبال شهادت رفتن)

۶- هلا منکر جان و جانان ما / بزن زخم انکار بر جان ما

قلمرو زبانی :

هلا : آگاه باش / مُنکر: انکار کننده /

قلمرو ادبی :

جان مجاز از وجود/ تشبیه : زخم انکار (انکار مانند زخمی است) / کنایه : زخم انکار زدن کنایه از « سرزنش کردن »

قلمرو فکری:

آگاه باش ای کسی که جان و جانان ما را منکر هستی و ما را سرزنش می کنی...

(ای کسی که وجود عاشق ما و معشوق را درک نکرده ای و نمی پسندی، تا می توانی با انکار عشق و عاشقی زخم بر جان ما بزن!)

۷- بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی زخم مردن، غم عاشق است

قلمرو زبانی :

مرهم : هر دارویی که روی زخم گذارند ، التیام بخش . / بی زخم مردن : مرگ معمولی و طبیعی.

قلمرو ادبی :

استعاره : زخم استعاره از « سرزنش » / تشبیه : زخم مانند مرهم است / پارادوکس : مرهم بودن زخم

قلمرو فکری :

تا می توانید ، با سرزنش های تان بر ما زخم بزنید (برای ما جای نگرانی نیست) ؛ غم عاشق آن است که در راه معشوق جان نسپارد و به مرگ طبیعی بمیرد.

۸- مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان ، اولین شرط عشق

قلمرو زبانی :

سوخت : سوخته شد (از افعالی هست که گاهی نیاز به مفعول دارد و گاهی نیاز به مفعول ندارد) / از قَرت: در نتیجه فراوانی و

بسیاری. / خموشی : ساکت بودن ، دم بر نیوردن / هان : شبه جمله ، آگاه باش

قلمرو ادبی :

استعاره : جان مانند چیزی است که سوخته می شود / عشق مانند آتشی است که می سوزاند. / سوختن جان: کنایه از رنج بسیار

/ خموشی: کنایه از سکوت

قلمرو فکری :

مگو: « جانم از شدت عشق سوخته شده است » ؛ بدان که اولین شرط عشق و عاشقی ، سکوت کردن در برابر ناملازمات است.

۹- مبین لاله هانی که در باغ ماست / خموشند و فریادشان تا خداست

قلمرو زبانی :

لاله : شهید ، ایثارگر / باغ: جامعه ، سرزمین

قلمرو ادبی :

و خدايي که در اين نزدیکی است / لای این شب بوهای آن کج بلند...

استعاره : لاله (شهید) - باغ (سرزمین، وطن) / تناقض (پارادوکس) : خموشند و فریادشان تا خداست / تناسب: لاله ، باغ /
خاموشی و فریاد لاله ها: تشخیص
قلمرو فکری :

این لاله هایی (شهدا) که در سرزمین ما هستند را با دقت نگاه کن که چگونه ساکت هستند و فریاد سکوت شان تا عرش بالا می رود. (این بیت تأکید و مصداقی برای بیت قبل است)

۱۰- بیا با گل لاله بیعت کنیم که آلاله را حمایت کنیم

قلمرو زبانی :

لاله / آلاله : شقایق ، لاله نعمانی

قلمرو ادبی :

استعاره : لاله و آلاله استعاره از شهدا / تشخیص: بیعت با لاله ، حمایت از آلاله.

قلمرو فکری :

بیا دوباره با گل های لاله بیعت کنیم و از شقایق دو باره حمایت کنیم. (برماست که با شهیدان عهدی ببندیم که از ثمرات
خونشان صیانت کنیم)

هم صدا با حلق اسماعیل ، سید حسن حسینی

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- معادل معنایی واژه های زیر را بنویسید

مُنکِر آیینه باشد چشم کور دشمن آیینه باشد روی زرد عمادی شهریاری انکارکننده

ای داور زمانه ، ملوک زمانه را جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست مسعود سعد سلمان جای دور زدن و گردیدن

۲- همان طور که می دانید ، صفت بیانی ، برای توضیح و وصف یک واژه به کار می رود. واژه ای که وصف می شود ، موصوف نام دارد.

مثال: کتاب خواننی موصوف صفت

و خدايي که در اين نزديکي است / لاي اين شب بوهاي آن کج بلند...

* به پر کاربرد ترين صفت هاي بياني توجه کنيد:

- (۱) مطلق: پاک ، خوشحال ، خطرناک (جوان پاک ، دانش آموز خوشحال ، روش خطرناک)
- (۲) فاعلی
- بن مضارع + نده: سازنده (انتقاد سازنده) درخشنده (چهره درخشنده)
بن مضارع + ا: گویا (کتاب گویا) کوشا (جوان کوشا)
بن مضارع + ان: خندان (دانش آموز خندان) تابان (خورشید تابان)
بن ماضی / بن مضارع + گار: آفریدگار ، آموزگار (خداوند آفریدگار ، انسان آموزگار)
بن ماضی + از: خریدار (شخص خریدار) خواستار (انسان خواستار)
اسم / بن / صفت + گر : زرگر (مرد زرگر) توانگر (انسان توانگر) (مطلب روشنگر)
اسم / صفت + بن مضارع : خداشناس (فیلسوف خداشناس) راستگو (پدر راستگو)
- (۳) مفعولی: بن ماضی + ه / ه (=) پرورده (متن پرورده « متن پرورده شده » شکفته (گل شکفته)
- (۴) لیاقت : مصدر + ی : نوشیدنی

- (۵) نسبی
- اسم + ی : آسمانی (کتاب آسمانی)
اسم + ین : زرین (گردن بند زرین)
اسم + ینه: سیمینه (گلدان سیمینه)
اسم + انی : روحانی (مرد روحانی)
اسم + انه : (سخن کودکانه)

* اکنون مانند نمونه جدول را کامل کنيد:

صفت مفعولی	صفت لیاقت	صفت فاعلی	بن مضارع	فعل
نوشته	نوشتنی	نویسنده	نویس	نوشت
خوانده	خواندنی	خواننده	خوان	خواندم

قلمرو ادبی

۱- از متن درس ، برای هر آرایه ادبی نمونه ای مناسب بیابید و بنویسید:

تشبیه : (وف عشق) متناقض نما: (خموشند و فریادشان تا خدا است)

۲- شعر « یاران عاشق » را از نظر قالب و مضمون ، با شعر « زاغ و کبک » مقایسه کنید.

قلمرو فکری

۱- در بیت سوم ، مقصود از یاران عاشق ، چه کسانی است و به کدام ویژگی آنها اشاره شده است؟

شهادت ، ایثارگران . فریادشان مثل خورشید روشنی بخش است / سپیده سحر و سپهر وزی از گلوی شان می دهد

۲- در بیت آخر ، بر کدام یک از ارزش های انقلاب اسلامی تأکید شده است؟ **پیت دوباره با شهادت و آرمان های انقلاب**

۳- نخست ، مفهوم کلی بیت های زیر را بنویسید ؛ سپس برای هر یک ، بیتی متناسب از متن درس بیابید.

الف) ای مرغ سحر ، عشق ز پروانه بیاموز **کان سوخته را جان شد و آواز نیامد سعدی**
ای انسانی که ادعای عاشقی می کنی ؛ عشق حقیقی را از پروانه یاد بگیر ، که جانش را از دست داد اما فریادی نکشید . (سکوت کردن در برابر سختی های عشق)

مکسوخت جان من از فرط عشق خموشی است مان ، اولین شرط عشق

ب) چه از تیر و چه از تیغ ، شما روی نتابید **که در جوشن عشقید ، که از کرب و بلا بید . حمید سبزواری**

روی تابیدن : روی برگردانیدن / جوشن : زنده / تشبیه : عشق مانند جوشنی است . / تلخ : بر واقعه کربلا (بهنگاه از عشق روی بر نمی تابید)

حلا منکر جان و جانان ما بزنج زخم ه انکار بر جان ما

از چنبر نقش، رسته بودند آنها / بت ها همه را سگته بودند آنها
پرواز شدند و پرکشودند به عرش / هر چند که دست بسته بودند آنها

مصطفی محدثی خراسانی

قلمرو زبانی:

چنبر: حلقه، دایره / رسته: رها شده (بن مضارع: ره) / بت ها همه را: همه بت ها را: «را» نشانه نفعول است / عرش: آسمان

قلمرو ادبی:

کنایه: «از چنبر نقش رستن» کنایه از «ترک تعلقات مادی» / استعاره: چنبر نقش «نقش مانند موجودی است که چنبر می زند» / «بت ها» استعاره است از «تعلقات مادی» / تناقض (پارادوکس): دست بسته پرکشودن / واج آرای: ش

قلمرو فکری:

این رباعی در ستایش شهدای غواص سروده شده است.

شهدا همه تعلقات و دل بستگی ها را کنار زده بودند با وجود این که دست بسته بودند به سوی آسمان ها پرواز کردند.

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

و خدايي که در اين نزدیکی است / لای این شب بوهای آن کج بلند...

شعر خوانی

صبح بی تو

شعر در باره امام زمان (عج) است

۱- صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد / بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

قلمرو زبانی :

تو : امام زمان (عج) / آدینه : جمعه / حالتی : مفعول

قلمرو ادبی :

تضاد : صبح ، بعد از ظهر / تشخیص : مهربانی حالت کینه داشته باشد /

قلمرو فکری :

یا امام زمان ، صبح بدون تو مانند بعد از ظهر جمعه ها غم آلود است. بدون حضور تو، حتی مهربانی چیزی جز کینه و نفرت ندارد.

۲- بی تو می گویند تعطیل است کار عشق بازی / عشق اتاکی خبر از شنبه و آدینه دارد

قلمرو ادبی :

تشخیص : عشق خبر از چیزی داشته باشد / مراعات نظیر : تعطیل ، جمعه - شنبه ، جمعه / تضاد : شنبه ، جمعه

قلمرو فکری :

یا امام زمان ، می گویند بدون تو ، کار عشق و عاشقی تعطیل است اما عشق به زمان کاری ندارد.

۳- جغد برویرانه می خواند به انکار تو آما / خاک این ویرانه ها بویی از آن گنجه دارد

قلمرو زبانی :

گنجینه : مال بسیار ، گنج

قلمرو ادبی :

استعاره : انکار کنندگان وجود امام زمان / تلمیح : به اعتقاد قدما ، جغد در ویرانه های که گنج پنهان دارد ، زندگی می کند /

مراعات نظیر : جغد ، ویرانه ، خاک ، گنجینه / تشخیص : جغد به انکار بخواند - / کنایه : « بوی چیزی را داشتن » کنایه از « نشان چیزی را داشتن » /

قلمرو فکری :

انکار کنندگان، وجود تو را انکار می کنند؛ اما خاک این زمین که بدون حضور تو مثل ویرانه ای است ، نشانه های تو را آشکارا دارد.

۴- خواستم از رنجش دوری بگویم ، یادم آمد / عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

قلمرو زبانی :

دیرینه : قدیمی (دیر + ینه = وندی)

قلمرو ادبی :

تشخیص : عشق با آزار خویشاوندی داشته باشد / مراعات نظیر : رنجش ، آزار /

قلمرو فکری :

می خواستم رنجش های دوران دوری تو را بگویم اما یادم آمد که عشق با آزار نسبتی بسیار قدیمی دارند. (دوری را باید تحمل کرد)

و خدايي که در اين نزديکي است / لای این شب بوهای آن کج بلند...

۵- در هوای عاشقان پرمی کشد بانی قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

قلمرو زبانی :

کبوتر چاهی : نوعی کبوتر به رنگ خاکستری سیر که امروزه معمولاً در اماکن متبرکه زندگی می کنند. /

قلمرو ادبی :

استعاره : کبوتر چاهی استعاره از امام زمان (عج)

قلمرو فکری :

عاشقانت منتظر ظهور تو هستند ؛ تو هم بی صبرانه منتظر آمدن هستی (باید به فرمان خدا بیاید)

۶- ناکهان قفل بزرگ تیرگی را می کشاید آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد

قلمرو ادبی :

تشبیه : قفل تیرگی (تیرگی = مشبه ، قفل : مشبه به) ، (می تواند استعاره هم باشد « تیرگی مانند خانه ای است که قفل دارد /

استعاره : شهر پر آینه استعاره از جامعه آرمانی /

قلمرو فکری :

روزی به فرمان خداوند ، با آمدن خود ، تیرگی ها را از بین خواهد برد. و ما را به آرمان شهر خواهد رساند.

قیصر امین پور

درک و دریافت

۱- در خوانش این سروده ، به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

حسن شعر و مکث و دنگ واژه ها و جملات

۲- « انتظار موعود » یکی از مایه های ادبیات انقلاب اسلامی است ؛ بر این مبنا ، متن شعر خوانی را بررسی کنید.

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir